The Quarterly Journal
Motaleate Tablighe Dini
Vol.3/issu.5/ Winter 2026

Propagational Strategies of Imam Jaʿfar al-Sādiq (peace be upon him) in Articulating Jurisprudence and Religious Rulings

Sayyid Mohsen Sharifi [1]

Recived Data: 2024/04/24 Accept Data: 2024/11/05

One of the most important objectives of the Infallible Imams (peace be upon them) was the propagation of religion based on the articulation of jurisprudential rulings required by the Islamic community. From this perspective, Imam Jaʿfar al-Ṣādiq (peace be upon him), due to the political and social conditions of his era, enjoyed the greatest opportunity and engagement in this domain among the Infallible Imams (peace be upon them).

Accordingly, the central question of this study concerns the identification of Imam al-Ṣādiq's propagational strategies in the articulation and dissemination of religious and jurisprudential rulings. This question is addressed through an examination of the Imam's propagational and scholarly conduct. Investigating this question—undoubtedly one of the essential concerns of the field of religious propagation—is of particular importance, as such studies can illuminate correct and effective methods for propagating religion and jurisprudence within society.

The findings of the research indicate that Imam al-Ṣādiq's propagational strategies comprised a diverse and integrated set of approaches, including: the accurate transmission of jurisprudential traditions, the documentation and writing of jurisprudence, the dictation method, the promotion of ijtihād (independent legal reasoning), opposition to analogical reasoning (qiyas), and the use of scholarly debate and dialogue as effective means for the propagation and dissemination of jurisprudence and religious rulings.

Imam al-Ṣādiq (peace be upon him) consistently took into account the intellectual capacity and aptitude of his students and audiences and presented jurisprudential and propagational content in accordance with their level of understanding. Furthermore, the strategy of letter writing and academic exchange through written communication with companions, intellectual figures, and students played a significant role in the Imam's efforts to propagate jurisprudence.

This article employs a descriptive–analytical method to examine the propagational strategies of Imam al-Ṣādiq (peace be upon him) in the domain of articulating

1 . Assistant Professor at the Department of Theology and Islamic Studies of Qom University (sharifi55530@gmail.com)

jurisprudence and religious rulings. The study of the Imam's practical conduct in propagating legal rulings and jurisprudence, along with the identification and articulation of effective propagational strategies in this field within Islamic society, constitutes the primary innovation of this research. These strategies are systematically categorized as an applied framework aligned with science of religious propagation.
Keywords: Preaching strategies, scientific life, Imam Sadiq, jurisprudence, religious rules.

فصلية علمية محكمة
مطالعات تبليغ دينى
سنة الثالث، العدد ٥، الشتاء ١٤٤٧هـ

الأساليب التبليغية للإمام جعفر الصادق عليه السلام في بيان الفقه وأحكام الدين

السيد محسن شريفي[١]

الإستلام: ١٤٤٥/١٠/١٥ القبول: ١٤٤٦/٠٥/٠٣

من أهم أهداف الأئمة الأطهار عليهم السلام هو تبليغ الدين على أســـاس بيان الأحكام الفقهية التي تحتاج إليها الأمة الإسلامية. ومن هذا المنطلق، حظي الإمام جعفر الصادق عليه السلام، مقارنةً بسائر الأئمة الأطهار عليهم السلام، بفرص ونشاط أوسع في هذا المجال، وذلك بسبب الظروف السياسية والاجتماعية التي سادت عصره.

وبناءً على ذلك، يتمحور السؤال الرئيسي حول معرفة الأساليب التبليغية للإمام الصادق عليه السلام في قسم بيان الأحكام الدينية والفقهية، والذي نحاول الإجابة عليه من خلال دراسة السيرة التبليغية والعلمية للإمام. فدراسة سؤال هذا البحث – وهو لا شك من متطلبات حقل التبليغ – وهذا النوع من الدراسات يمكن أن يوضح الطريقة الصحيحة لتبليغ الدين والفقه في المجتمع

وتُظهر نتائج البحث أن الأســاليب التبليغية للإمام الصــادق عليه السلام كانت منظومة متنوّعة تشــمل: النقل الصــحيح للروايات الفقهية، وكتابة الفقه، وأسلوب الإملاء، ونشر الاجتهاد، ومحاربة القياس، والاستفادة من أسلوب المناظرة للنشـــر والتبليغ في مجال بيان الفقه وأحكام الدين. كما كان عليه الســـلام يراعي دائماً مســـتوى عقل المتعلمين وقابليات المخاطَبين، فيقدّم المحتوى الفقهي والتبليغي بما يتناسب مع درجة فهمهم واستيعابهم.

وفضلاً عن ذلك، كان لأسلوب كتابة الرسائل والمراسلات العلمية مع الأصحاب وأهل الفكر والتلامذة، دورٌ بارز في تبليغ الفقه عند الإمام عليه السلام. وقد تناولت هذه المقالة، بالمنهج الوصـــفي-التحليلي، الأســـاليب التبليغية للإمام الصــادق عليه السلام في مجال بيان الفقه وأحكام الدين. ويُعَدّ تحليل سـيرته العملية في تبليغ الأحكام وبيان الفقه، وتحديد وبيان الأساليب التبليغية المناسبة لعرض الأحكام والفقه في المجتمع الإسلامي، من الجوانب الإبداعية لهذا البحث، والذي تم تصنيفه على شكل مجموعة تطبيقية وفقاً لعلم التبليغ.

الكلمات المفتاحية: استراتيجيات الوعظ، الحياة العلمية، الإمام الصادق عليه السلام، الفقه، القواعد الدينية.

---

١. أستاذ مساعد في قسم أصول الدين والدراسات الإسلامية بجامعة قم (sharifi55530@gmail.com)

فصلنامه علمی ـ تخصصی
مطالعات تبلیغ دینی
سال سوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۴

راهکارهای تبلیغی امام صادق علیه‌السلام در بیان فقه و احکام دین

سیدمحسن شریفی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف ائمه اطهار علیهم‌السلام تبلیغ دین بر پایهٔ بیان احکام فقهی مورد نیاز جامعهٔ اسلامی است. از این منظر امام صادق علیه‌السلام در میان ائمه اطهار علیهم‌السلام به خاطر شرایط سیاسی و اجتماعی دورهٔ خود بیشترین زمینه و فعالیت را در این عرصه داشته است. با این توصیف، پرسش اصلی شناخت راهکارهای تبلیغی امام صادق علیه‌السلام در بخش بیان احکام دینی و فقهی است که تلاش می‌شود با بررسی سیرهٔ تبلیغی و علمیِ حضرت به آن پاسخ داده شود. بررسی پرسش این تحقیق که بی‌تردید از بایسته‌های حوزهٔ تبلیغ است و این گونه مطالعات می‌تواند شیوهٔ صحیح تبلیغ دین و فقه در جامعه را روشن کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که راهکارهای تبلیغی امام صادق علیه‌السلام مجموعه‌ای متنوع شامل نقل صحیح روایات فقهی، کتابت فقه، شیوهٔ املا، ترویج اجتهاد و مبارزه با قیاس و بهره‌گیری از راهکار مناظره برای ترویج و تبلیغ در حوزهٔ بیان فقه و احکام دین بوده است. آن حضرت همواره به میزان عقل و استعداد شاگردان و مخاطبان توجه داشت و متناسب با درک آنان، محتوای فقهی و تبلیغی خود را عرضه می‌کرد. افزون بر این، راهکار نگارش نامه و مکاتبهٔ علمی با اصحاب و صاحبان اندیشه و شاگردان در زمینهٔ فقه کاربرد چشمگیری در تبلیغ آن حضرت داشته است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به راهکارهای تبلیغی امام صادق علیه‌السلام در عرصهٔ بیان فقه و احکام توجه شده است. بررسی سیرهٔ عملی آن حضرت در تبلیغ احکام و بیان فقه، شناسایی و بیان راهکارهای تبلیغی در زمینهٔ بیان احکام و فقه در جامعهٔ اسلامی، نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود که به صورت مجموعهٔ کاربردی و مطابق با دانش تبلیغ دسته‌بندی شده است.

واژگان کلیدی: راهکارهای تبلیغی، سیرهٔ علمی، امام صادق علیه‌السلام، فقه، احکام دینی.

---

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم (sharifi55530@gmail.com)

مقدمه

در آیات قرآن کریم از مؤمنان خواسته شده است که از هر گروهی شماری به تفقه در دین روی آورند و پس از بازگشت نزد قوم خود، آنان را انذار کنند (توبه: ۱۲۲). این دستور الهی بر دو مطلب مهم تفقه و تبلیغ دین اشاره و صراحت دارد. مفهوم تفقه از عصر پیامبر ﷺ رواج یافته و تا پایان سدهٔ دوم هجری مراحلی را در ساخت معنا طی کرده و از سدهٔ سوم به بعد، به معنایی محدود برای دانشی به کار رفته که دربارهٔ احکام سخن می‌گوید (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص۱۲۴).

کاربردهای فقه و تفقه در آموزه‌های امام صادق علیه‌السلام نیز در چارچوب همین روند تحولی قابل درک است. شاید این نکته که مفهوم فقه نزد آن حضرت محدود به حوزهٔ احکام بوده، قابل پذیرش نباشد؛ اما پذیرش مفهوم فقه به معنای فهم احکام شرعی بیشترین کارکرد را داشته است.

امام صادق علیه‌السلام با رهنمودهای عالمانهٔ خویش، فقه را به دانش‌پژوهان علم آموزش داد، به طوری که تعداد شاگردان مکتب حضرتش را تا چهارهزار و بیشتر دانسته‌اند (الجندی، ۱۳۹۷ق، ص۲۱۷). همین تلاش‌های امام باعث شد توجه به علم فقه و بیان احکام در این دوره به عنوان یک بُعد مهم تمدنی در میان مسلمانان نهادینه شود و بعدها همین شاگردان و نسل‌های بعدی آن‌ها توانستند با همین بن‌مایه‌های علمی دانش فقه را به اوج شکوفایی برسانند.

شناخت راهکارهای امام صادق علیه‌السلام در زمینهٔ تبلیغ دینی بسیار حائز اهمیت است. ازاین‌رو راهکارهای تبلیغی آن حضرت برای بیان و ترویج احکام شرعی پرسش اصلی این پژوهش است. فرضیهٔ این پژوهش بر این مبنا استوار است که امام صادق علیه‌السلام مشکلات علمی و دینی جامعه را از نزدیک دیده بود و به دنبال راهکارهای برون‌رفت از این مشکلات بود. ایشان در تلاش‌های علمی خود به نقاط ضعف در شیوهٔ تبلیغ دینی توجه کرده و برای چاره‌جویی در این زمینه به تشکیل مکتب علمی و تبلیغی پرداخته است. این تحقیق از گونهٔ تحقیقات تاریخی است که در آن از روش توصیفی همراه با تحلیل محتوایی متون استفاده شده است و تلاش می‌شود با تکیه بر منابع اصیل تاریخی و حدیثی راهکارهای امام تبیین شود.

با توجه به اهمیت دورهٔ امام صادق علیه‌السلام، دربارهٔ زندگی و حیات سیاسی و علمی آن حضرت کارهای فراوانی صورت گرفته است. برخی از موارد نزدیک با موضوع این پژوهش، مقاله‌ای با عنوان «شیوهٔ قرآنی مناظرات امام صادق علیه‌السلام» است که بیشتر به بحث مناظرات امام پرداخته است (حسینی میرصفی، سیده فاطمه (۱۳۹۱، زمستان). بینات، ۷۶، ۱۳۹ـ۱۶۱). مقالهٔ دیگری با

عنوان «بررسی تحلیلی شیوهٔ تعلیم و تربیت قرآنی امام جعفر صادق علیه‌السلام» نیز وجود دارد (زادهوش، احمد (۱۴۰۱). کوثر، ۷۳، ۵۵ـ۷۲) که به نقش تعلیم و تربیتی امام علیه‌السلام پرداخته و بیشتر رویکرد حیات علمی حضرت را مورد توجه قرار داده است. بیشتر موارد این مقاله مبتنی بر تعلیم و تربیت قرآنی است.

با توجه به بررسی صورت‌گرفته، دربارهٔ موضوع راهکارهای تبلیغی ایشان تحقیقی دیده نشد و به همین جهت انتخاب این موضوع نوآوری محسوب می‌شود و تلاش می‌گردد با بیان راهکارهای امام علیه‌السلام این بخش از سیرهٔ ایشان تبیین شود.

۱. جایگاه فقهی و تبلیغی امام صادق علیه‌السلام

امام جعفر صادق علیه‌السلام شخصیتی محوری در میان امامان شیعه است که به عنوان تبیین‌کننده تعالیم امامیه، به ویژه در حوزهٔ فقه، شناخته می‌شود. آن حضرت در حوزه‌های مختلف معارف دینی همچون فقه، اصول، حدیث و تفسیر دارای آموزه‌های سامان‌یافته به صورت گسترده است. به همین جهت بخش عمده‌ای از مواضع شیعیان در مواجهه با مذاهب و وجوه تمایز آنان نسبت به فِرَق گوناگون، بر بنیاد تعالیم آن حضرت شکل گرفته است.

آن حضرت نهضت بزرگ علمی را آغاز کرد و جامعهٔ اسلامی را از لحاظ علمی به شکوفایی رساند. این امر به علت وجود بستر مناسب به خاطر درگیری میان بنی‌امیه و بنی‌عباس بر سر حاکمیت و نیز طولانی بودن دورهٔ امامت امام جعفر صادق علیه‌السلام است که فرصتی طلایی برای آن حضرت در جهت نشر علم و دانش در جامعهٔ اسلامی فراهم آورد.

تکیهٔ اصلی شیعه از نظر فکری و عقیدتی، بر امام صادق علیه‌السلام بوده و بخش بزرگی از احادیث و علوم اهل بیت علیهم‌السلام توسط این امام اشاعه یافت. آن حضرت وظیفهٔ مهم حفظ و صیانت شیعه و تبلیغ معارف قرآن را در آن زمانه به عهده داشت. ازاین‌رو امام صادق علیه‌السلام کلیدی‌ترین شخصیت در شکل‌گیری مذهب امامیه است.

در دورهٔ امام صادق علیه‌السلام تحول عظیم علمی و نهضت همگانی به وجود آمد و در مکتب علمی آن حضرت متکلمان، محدثان، دانشمندان، فقها و مفسران بزرگی رشد کردند و به جامعهٔ اسلامی تقدیم شدند. شخصیت‌های شناخته‌شده آن زمان، جایگاه علمی و فقهی امام صادق علیه‌السلام را ستوده‌اند. از ابوحنیفه، امامِ مذهب حنفی، نقل شده که به دستور منصور، خلیفهٔ عباسی، مأمور می‌شود چهل پرسش سخت آماده کند و در حضور خلیفه از امام بپرسد و ناتوانی آن حضرت را

نشان دهد. اما آن حضرت با توانایی خیره‌کننده پاسخ همهٔ پرسش‌ها را مطابق مذاهب مختلف می‌دهد و ابوحنیفه در توصیف امام علیه‌السلام می‌گوید: کسی را فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم و داناترین مردم کسی است که از همه بیشتر به اختلاف‌نظر فقها آگاه باشد (مزی، ۱۴۰۶ق، ج۵، ص۷۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج۶، صص۲۵۷ و ۲۵۸).

در روایت دیگری چنین آمده است که نوح بن دراج از ابن ابی‌لیلی، دانشمند و قاضی اهل‌سنت کوفه، پرسیده است: آیا اتفاق افتاده است که از سخن و گفتهٔ خود یا از حکمی که کرده‌ای، به خاطر سخن کسی بازگردی و حکم و سخن خویش را انکار و سپس تصحیح کنی؟ او پاسخ داد: خیر، مگر با سخن یک نفر. پرسیدم آن شخص کیست؟ پاسخ داد: جعفر بن محمد علیه‌السلام (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۲۹۲).

همچنین بسیاری از عالمان و فقهای اهل‌سنت از شاگردان آن حضرت به شمار آمده‌اند؛ افرادی مانند اسحاق سبیعی، اعرج، زهری، عمرو بن دینار، ابوجهضم موسی بن سالم، قاسم بن فضل، اوزاعی، ابن‌جریح، اعمش، شیبه بن نضاح، عبدالله بن ابی‌بکر بن عمرو بن حزم، عبدالله بن عطا، بسام صیرفی، حرب بن سریج، حجاج بن ارطاة، محمد بن سوقه، مکحول بن راشد، معمر بن یحیی بن بسام، و بسیاری دیگر (ر.ک: صفدی، ۱۴۲۰ق، ج۱۱، صص۱۲۶ـ۱۲۸؛ قندوزی، ۱۴۲۳ق، ج۲، ص۴۵۷؛ ابن‌صباغ مالکی، ۱۴۲۲ق، صص۲۱۱ـ ۲۱۹). جاحظ نیز معتقد است: «ابوحنیفه و سفیان ثوری از شاگردان ایشان هستند» (جاحظ، ۱۴۲۰ق، ص۱۰۶). و نیز شمس‌الدین محمد بن محمد جزری می‌گوید: «نزد ما ثابت شده که هر یک از امام مالک و ابوحنیفه با امام ابوعبدالله جعفر بن محمد صادق مصاحبت کرده‌اند» (جزری شافعی، بی‌تا، ص۵۵). ابن‌ابی‌الحدید نیز سه مذهب از مذاهب چهارگانه را متأثر و برگرفته از آرای آن حضرت می‌داند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۱۸). بنابراین می‌توان گفت عمدهٔ فقه اهل‌سنت در این دوره شکل گرفته و فقهای آن‌ها بیشترین تأثیرپذیری را از آن حضرت داشته‌اند.

افزون بر این، امام صادق علیه‌السلام در این زمینه شاگردان زیادی را تربیت کرد که هر یک بعدها صاحب نام و جایگاه شدند. اسناد تاریخی ۱۲۴ تن از فقهای صاحب نام را یاد کرده است که شاگردان امام و بعدها صاحب‌نظر در فقه و مرجع فقهی بوده‌اند (مظفر، ۱۴۲۱ق، ص۴۱۹).

مکتب علمی امام صادق علیه‌السلام کانون علم و چشمهٔ جوشانی از علوم و معارف اسلام بود که سرمنشأ خدمات عظیمی در جهان اسلام گردید. در روزگاری که تمدن اسلامی شکل می‌گرفت، گسترش آموزش‌های پرارج امام صادق علیه‌السلام سبب اقبال و تشویق مسلمانان به فراگیری علوم شد.

همین امر سبب شد تا در این عصر تمام نگاه‌ها معطوف به آن حضرت شود و دوست‌داران دانش از سراسر نقاط برای درک محضر ایشان و کسب علم به نزد حضرت آیند. نقل حدیث از ایشان تا آنجا عمومیت یافت که کاروانیان نیز احادیثش را نقل می‌کردند و در تمامی مراکز علمی جهان اسلام از آرای وی گفت‌وگو بود و صاحب‌نظران در استدلال‌هایشان از نظر وی اتخاذ سند می‌کردند. در حقیقت مکتب علمی امام صادق علیه‌السلام برجسته‌ترین اندیشمندان و زبده‌ترین فقیهان و نخبه‌ترین عالمان را عرضه می‌کرد. حقیقت این است که تفقه و تبلیغ اسلامی از نظر پیشرفت و جاودانگی و تکیه‌گاه راستین و میراث ارزشمند و باعظمتش مدیون مکتب علمی و فکری امام صادق علیه‌السلام است و این حوزهٔ علمی بود که امت را به کشف قواعد استنباط، نقل حدیث، و کوشش در جهت تألیف و تصنیف و تقسیم‌بندی احکام متوجه کرد و علی‌رغم کوشش‌هایی که برای جلوگیری از گسترش و شهرت این مکتب به عمل می‌آمد، اینجا محل برخورد فکری عالمان و دانشجویان شمرده می‌شد (حیدر، ۱۴۲۲ق، ج۱، صص۷۰ و ۷۱).

با این توصیف، جایگاه فقهی امام صادق علیه‌السلام روشن‌تر از هر امامی است؛ زیرا در فرصت پدیده‌آمدهٔ حاصل از درگیری بنی‌امیه و بنی‌عباس و نیز ضعف اولیهٔ بنی‌عباس در آغاز حکومتشان، آن حضرت فرصتی یافت تا توان فقهی خود را بروز دهد و با بهره‌گیری از راهکارهای تبلیغی خویش توانست جامعهٔ اسلامی را از چشمه‌ساز علم خویش سیراب سازد. ازاین‌رو دورهٔ امامت امام صادق علیه‌السلام یکی از بهترین و مهم‌ترین دوران‌های گسترش حدیث شمرده می‌شود. در این دوره به دلیل مساعد بودن زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و همچنین وجود گروه علمیِ منسجم، سبب شد که آن حضرت بهترین، دقیق‌ترین و منسجم‌ترین مکتب علمی را در زمینهٔ نقل حدیث و احکام دین داشته است.

۲. راهکارهای تبلیغی امام صادق علیه‌السلام در فقه

با عنایت به ویژگی‌های عصر امام صادق علیه‌السلام، آن حضرت برای پیشبرد مکتب علمی خود و ترویج فقه، از راهکارهای تبلیغی خاصی بهره گرفت که در حل مشکلات علمی جامعهٔ اسلامی بیشترین فایده را داشته است. این شیوه‌ها و راهکارهای ترویج علم و دانش اگرچه همه‌اش ابتکار آن حضرت نیست، ولی وقتی امام معصوم از آن‌ها استفاده یا آن‌ها را تأیید می‌کند، از باب فعل و تقریر معصوم، برای ما این پیام را دارد که این راهکار از اهمیت زیادی در تبلیغ برخوردار است. در این قسمت با بهره‌گیری از روایات و تاریخ و سیرهٔ آن حضرت، به راهکارهای تبلیغی در بیان فقه و احکام در مکتب آن حضرت پرداخته می‌شود.

۱-۲. نقل صحیح روایات فقهی

راویان حدیث معاصرِ دورهٔ امامت امام صادق علیه‌السلام با دوره‌های پیشین تفاوت بسیاری داشتند: بیشترِ راویان این دوره افرادی فقیه و دانشمند بودند که نه‌فقط برای تیمّن و تبرک، بلکه برای یادگیری عمیق و دقیق به دنبال کسب حدیث بودند و به همین جهت مکتب علمی امام صادق علیه‌السلام جنبهٔ تبلیغی منحصربه‌فردی داشت؛ زیرا بیشترِ این افراد به دنبال پرسش از لایه‌های ناپیدا و کسب معرفت به حضور امام می‌رسیدند و وظیفهٔ تبلیغی ایشان ایجاب می‌کرد با بهترین شیوه، احادیث را برای آنان بازگو کنند.

در حدود شصت سال، جایگاه خاص اهل‌بیت علیهم‌السلام در نقل احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به فراموشی سپرده شده بود تا در دوران امام صادق علیه‌السلام که این جایگاه تا حد قابل توجهی برای برخی مسلمانان، به‌خصوص عالمان شیعه و اهل‌سنت، شناخته شد. آنان امام صادق علیه‌السلام را بهترین سند احادیث پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله و مسیری می‌دانستند که از طریق امامان شیعه به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رسید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۴۰۳) و امام صادق علیه‌السلام را شخصیتی علمی می‌دانستند که عالم اهل‌بیت علیهم‌السلام و دارندهٔ علوم نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

بیشترین احادیث نقل‌شده از امام صادق علیه‌السلام بر محور فقه است (ابوزهره، بی‌تا، ص۹۵) و پرسش‌های فقهی، موارد ابتلای روزمرهٔ مسلمانان، اهتمام عالمان به تدوین احادیث فقهی و نقل آن به شیوهٔ صحیح و قابل اعتماد مسئلهٔ مهمی در این دوره محسوب می‌شد. به همین جهت امام علیه‌السلام راهکار نقل صحیح روایات فقهی را در پیش گرفت.

در این راستا امام صادق علیه‌السلام به نقل احادیث عنایت خاصی داشت و همواره تأکید می‌کرد در نقل روایات و احادیث و مطالب علمی، به صحت و سقم آن یقین کنند و البته در نقل نیز امانت‌دار باشند؛ چنان‌که به یکی از اصحاب خود فرمود: «وقتی حدیثی را می‌شنوید، آن را همان‌طور که شنیده‌اید بازگویید و نه بر آن بیفزایید و نه از آن بکاهید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۵۱). تعالیم امام به طالبان علم در گام اول توجه به صداقت و راستی بوده است. عَمرو بن أبی المِقدام می‌گوید: نخستین مرتبه‌ای که من بر آن حضرت وارد شدم، فرمود: «پیش از آنکه علم حدیث را فراگیرید، راست‌گویی را یاد بگیرید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۱۰۴). این اهتمام و توجه امام به نقل صحیح مطالب آن‌چنان مورد عنایت بود که حتی در بیان اِعراب صحیح احادیث نیز دقت وافری داشت و اصرار می‌کرد تا همگان احادیث را با اِعراب تمام و کامل ادا کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۵۲).

ازطرفی، با اینکه همهٔ شاگردان حضرت به نقل روایات ایشان اعتماد کامل داشتند، ولی امام اصرار داشت سلسله اسناد خود به پیامبر اکرم ﷺ را بیان کند (مفید، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۱۸۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۵۳۶). این کار سبب می‌شد تا اصل مهم نقل روایات به شیوهٔ صحیح به صورت عملی به شاگردان این مکتب آموزش داده شود و به اهمیت این مطلب واقف شوند.

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام علیه‌السلام در این راهکار، اصلاح محفوظات روایی اصحاب بود. دراین‌باره گزارش‌های فراوانی وجود دارد. در یکی از این روایات آمده است: «حمزة بن طیار بر امام صادق علیه‌السلام بعضی خطبه‌های پدرش را عرضه می‌کرد تا به عبارتی رسید که آن حضرت فرمود: بازگیر و خموش باش. سپس امام فرمود: آنچه به دست شما می‌رسد که نمی‌دانید درست است، وظیفه ندارید جز اینکه توقف کنید و بررسی کنید و به امامان حق مراجعه کنید تا شما را به حقیقت برسانند» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج۲۷، ص۲۵).

امام صادق علیه‌السلام در این دوران حساس با نقل صحیح روایات، به اصلاح انحرافات در حوزه‌های شیعی و به ویژه در علم فقه پرداخت و ناقل روایات پیامبر اکرم ﷺ در این حوزه گردید. به سبب همین کوشش‌های امام بود که فقه شیعه به قدری توانمند و مقتدر شد که بزرگانی از اهل‌سنت مانند ابوحنیفه، ابن ابی‌لیلی و شریک بن عبدالله ـ قاضی کوفه ـ به راویان فقیه شیعی همچون محمد بن مسلم مراجعه می‌کردند (شیخ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج۱، صص۳۸۳ـ۳۹۳).

۲ـ۲. کتابت

کتابت همواره در گسترش دانش و جاودانه‌سازی ابعاد دین و فرهنگ، نقش شگرف و بی‌نظیری داشته است؛ به ویژه که نگارش و ثبت‌وضبطِ علوم همواره نشانهٔ والایی و برتری تمدن‌ها بوده و از مظاهر عینی ارج نهادن تمدن‌ها به علم و دانش به شمار می‌رفته است (حمد، ۱۹۸۲م، ص۷).

قرآن کریم و سنّت نبوی ﷺ نیز بر همین مطلب تأکید دارد؛ چنان‌که در قرآن از مادهٔ «کتب» به مفهوم کتابت در ۵۷ مورد و واژهٔ کتاب در ۲۶۲ مورد و الأقلام در برخی موارد دیگر یاد شده که بر اهمیت این مطلب دلالت می‌کند (العلی، ۱۹۸۰م، ص۷). بر پایهٔ این تعلیمات است که عالمان و اندیشمندان مهم‌ترین آموزهٔ مکتب و برترین عاملِ حراستِ علوم شرعی را کتابت می‌دانند و بر اهمیت دادن به آن و دنبال کردن این عامل مهم تأکید کرده‌اند (عاملی، ۱۴۰۳ق، ص۱۰۸).

شـهید ثانی که خود از بزرگ‌ترین فقهای شـیعه محسـوب می‌شـود، معتقد اسـت کتابت از مهم‌ترین راهکارهای دینی و بزرگ‌ترین وسیلهٔ حفظ کتاب و سنّت و علوم شرعی و عقلی است. اگر دانشی که نگاشته می‌شود، وجوب عینی داشته باشد، کتابت آن نیز واجب عینی است؛ چون حفظ و حراست از آن متوقف بر کتابت است. و اگر واجب کفایی باشد، نگاشتن و کتابت آن نیز کفایی است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص۳۳۹).

گام نخسـت در مکتب علمی امام صـادق علیه‌السلام توجه به حفظ نصـوص و روایات بود که با گذشتن از مرحلهٔ سماع و نقل شفاهی کم‌کم به مرحلهٔ دوم که نگارش و مکتوب کردن آن‌ها بود، رسید. این شیوه که برای حفظ و نگهداری از مجامع علمی روایی اهمیت زیادی دارد، از اصول اساسی اسلام است که در روایات مختلفی بر آن تأکید شده است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج۱، ص۳۵۹).

در سیرهٔ امام صادق علیه‌السلام یکی از مهم‌ترین راهکارها ترویجِ علوم شیوهٔ کتابت است. طبیعی است که در این شیوه ابتدا به مکتوب کردن احادیث و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله توجه بیشتری شود، به ویژه که جریان منع حدیث باعث از بین رفتن حجم انبوه احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله شـده بود و جامعهٔ اسلامی در آن زمان برای دستیابی به احکامِ مسائل جدید به شدت نیازمند منابع روایی بود و از این لحاظ در فقر علمی به سر می‌برد. ازاین‌رو امام صادق علیه‌السلام تمام شاگردان و اصحاب علمی خود را با شیوهٔ نقل، ضبط و مکتوب کردن احادیث آشنا کرد و با تشکیل محافل علمی به ترویج علم‌نگاری و کتابت پرداخت. در همین عصـر بود که «کتابت حدیث توسـط شـاگردان امام صادق علیه‌السلام امری متداول گشت» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص۱۴۳)؛ به طوری که آن حضرت در مسجد نَبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله رواقی داشت و حلقهٔ درسی خود را، علاوه بر بیت شریف، در آن مکان تشکیل می‌دادند و به‌خصوص در ایام حج، که شیعیان برای زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه می‌آمدند، به محضر آن بزرگوار می‌رسـیدند و سـؤال‌های مختلف خود را عرضـه می‌کردند و پاسـخ‌ها را به صـورت احادیثْ مکتوب می‌کردند و با دستی پر از مدینه خارج می‌شدند. در همین زمان بود که تألیفات در حوزه‌های مختلف وفور یافت و فقه و حدیث اهل‌بیت علیهم‌السلام به صورت گسترده تدوین گشت، تا آنجا که در این عصـر چهارصـد تن از اصـحاب امام صـادق علیه‌السلام چهارصـد اثر از احادیثِ شنیده‌شده از آن حضرت را پدید آوردند و به اصول چهارصدگانه مشهور گشت (حیدر، ۱۴۲۲ق، ج۱، ص۲۳۳).

امام صادق علیه‌السلام اهمیت زیادی برای این راهکار قائل بود و می‌فرمود: «بنویسید؛ زیرا تا چیزی را ننویسید، حفظ نمی‌کنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۵۲) و «نوشته‌های خود را نگاه دارید؛ زیرا به آن‌ها نیازمند خواهید شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۵۲) و «دل به نوشته اعتماد دارد» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج۴، ص۱۲). در واقع، امام صادق علیه‌السلام با این راهکار مردم را بر تدوین علم فقه تشویق و ترغیب نمود و خود آن حضرت علوم را بر شاگردانش املا می‌کرد و برای آنان دوات و کاغذ می‌آورد و می‌فرمود: «بنویسید؛ که شما حفظ نمی‌شوید مگر زمانی که بنویسید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۵۲).

ترغیب فراگیران علم فقه به تألیف و تدوین که البته آشنایی با فن نگارش و پشتوانهٔ فکری و اندیشه‌ای لازم را می‌طلبید، در مکتب امام صادق علیه‌السلام دنبال می‌شد، به طوری که گاهی امام به تصحیح نوشتار شاگردان خود می‌پرداخت (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص۳۰۵) یا وقتی برخی از شاگردان امام از ایشان سؤالی داشتند، امام از آن‌ها می‌خواست سؤال خود را مکتوب و بعد طرح کنند (کشی، ۱۴۰۹ق، صص۳۷۰ و ۳۷۱). شکی نیست این بهترین شیوه‌ای است که یک استاد می‌تواند از آن برای تمرین تفکر و واداشتن شاگردان به اندیشیدن استفاده کند.

با این شیوه، کتاب‌نگاری در جامعه اسلامی نهادینه شد و شیعیان کتاب‌های زیادی تألیف کردند که از جملهٔ آن‌ها «الأُصُولُ الاَرْبَعُمِائة» است که چهارصد نفر از فتاوای فقهی امام صادق علیه‌السلام تدوین کردند. این راهکار تبلیغی بر مدار علم در دوره‌های بعدی نیز دنبال شد و بهترین کتاب‌های فقهی که گرد آمده و تا امروز شناخته شده، مانند کتب اربعهٔ شیعه، همین مسیر انجام شده است.

۳ـ۲. نامه‌نگاری

راهکار دیگری که در سیره و مکتب امام صادق علیه‌السلام دنبال می‌شد، بهره‌گیری از روش نامه‌نگاری علمی بود. در این راهکار امام برای شخصی که دور از ایشان بود یا در مناطق دیگری زندگی می‌کرد و امکان حضور در نزد امام را نداشت یا در همان شهرِ امام بود اما به دلایل امنیتی و فشار حکومت نمی‌توانست به محضر امام برسد، مسائل و سوال‌های فقهی را به صورت نامه ارائه و تبلیغ می‌کرد.

همچنین در این راهکار مسائلی که برای علم‌آموزان مطرح می‌شود، به وسیله نگارش نامه از امام پرسیده می‌شود. گاهی نیز امام دستورهایی برای بعضی افراد یا حتی اهالی یک شهر یا

جمعی از مسـلمانان در قالب نامه و نوشـته ارسـال می‌کرد. ازاین‌رو راهکار تبلیغی نامه‌نگاری و فرستادن نوشته به سوی دیگران با توجه به شرایط زمانی آن روز دارای اهمیت زیادی بود.

آیت‌الله میانجی در کتاب «مکاتیب الأئمه علیهم‌السلام» بیش از صـد نامه از نامه‌نگاری‌های امام صـادق علیه‌السلام را جمع کرده و متن آن‌ها را آورده، که در موضـوعات مختلفی بوده و مباحث فقهی بیشترین موارد را شامل می‌شود (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج۴، صص۱ـ۳۴۹). نمونه‌هایی از این نامه‌نگاری‌ها در انواع موضـوعات فقهی همچون نماز، روزه، حج، مسـائل خریدوفروش، ارث، و... است (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج۴، صص۱۶۳ـ۲۰۱).

استفاده از این راهکار برای مباحث علمی در مکتب امام صادق علیه‌السلام باعث شد تا در جامعهٔ علمی از روش نامه‌نگاری برای حل مسـائل علمی و فقهی اسـتفاده شـود و این شـیوه در تمدن اسـلامی به صـورت شـیوه‌های پرکاربرد باقی بماند. امروزه نیز در حل برخی پرسـش‌ها و شـبهات علمی از این شیوه برای دریافت پاسخ استفاده می‌شود.

۲ـ۴. املا

یکی از راهکارهای امام صـادق علیه‌السلام بهره‌گیری از شـیوهٔ املا در علم فقه و روایات برای تبلیغ معارف فقهی بوده است. این شـیوه ریشه در سیرهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان پیشین داشته است؛ به طوری که می‌دانیم پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله به حکمت الهی نوشـتن نمی‌دانسـت و احکام و مسـائل و علوم و معارف دینی را برای اصـحاب خود، به ویژه حضـرت علی علیه‌السلام، املا می‌کرد و آن حضـرت نیز تمام این موارد را با دقت مکتوب می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۶۴).

در این راهکار تبلیغی، امام در مسـند اسـتادی قرار می‌گیرد و دربارهٔ یکی از مباحث علمی و آموزشی برای شاگردان مطالب خود را با ضبط دقیق و مستند بیان می‌کند و آن‌ها نیز این مطالب را بدون کمترین تغییر یا دخل‌وتصرف یادداشت می‌کنند. در این شیوه ممکن است یک یا چند تن از شـاگردان در جلسهٔ علمی امام حضـور داشـته باشـند و تمام مطالب را که به صـورت املا و دیکته بیان می‌شـود، بنویسـند و سـپس به تأیید امام برسـانند. فرق این شـیوه با نقل‌های شـفاهی دیگر و تدریس عـادی امام در این بود که علم‌آموزان در این شـیوه بـاید تمـام مطـالـب را بـدون کم‌وکاسـت و هیچ‌گونه تغییری عیناً بنویسـند و امام نیز مطالب علمی را به صـورت دقیق و به نحوی که قابل نوشـتن باشـد، ارائه می‌دادند؛ درحالی که در نقل‌های شـفاهیِ عادی، امام مطلب علمی را به زبان خود و به شـیوه‌ای که می‌پسـندید، ارائه می‌داد و علم‌آموزان نیز مختار بودند این

مطالب را به هر صورتی که بخواهند بنویسند به طوری که نوشتهٔ آن‌ها تمام مطالب بیان‌شده را پوشش دهد. تفاوت عمدهٔ دیگر در این است که در شیوهٔ املا امام حتماً نوشته‌های شاگردان خود را می‌دید و آن‌ها را تأیید یا احیاناً اصلاح و رد می‌کرد، اما در نقل‌های عادی چنین نبود و معمولاً امام نوشته‌های شاگردان را نمی‌دید.

در منابع موارد زیادی از املای مسائل علمی، به ویژه فقه، توسط امام صادق علیه‌السلام به شاگردان و اصحابش گزارش شده است مانند املای امام به فرزندش موسی (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج۴، ص۹۰) و املا به عجلان أبی‌صالح در صدقه (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج۴، ص۱۸۴) و املا به بعضی تجّار در طلب رزق (احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج۴، ص۲۹۹) که این موارد تنها بخشی از آن‌هاست.

امام صادق علیه‌السلام نخستین کتاب اصولی را توسط هشام بن حکم با نام «الألفاظ» در موضوع قواعد و قوانین علم اصول برای شاگرد خود املا کرده است (امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج۱۰، ص۲۶۵). شکی نیست که امام صادق علیه‌السلام با استفاده از روش املا، به اصحاب خود آموزش می‌داد. استفاده از این شیوه در ترویج علوم و تبلیغ در فقه و احکام توسط امام صادق علیه‌السلام گسترش زیادی یافت و در میان جامعهٔ علمی مورد استقبال قرار گرفت.

این راهکار به سرعت در میان همهٔ علم‌دوستان عصر امام صادق علیه‌السلام به بعد مورد توجه قرار گرفت و پس از دوران ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام، شاگردان در آموزش و تبلیغ استفاده می‌کردند. البته مطالبی که استادان از رو یا از حفظ املا می‌کردند، تنها نقل روایت نبود و شامل مطالب اجتهادی خود آنان نیز بود؛ زیرا اگر تنها نقل روایت بود، به آن روش قرائت می‌گفتند (غنیمه، ۱۳۴۶، صص۲۳۷ـ۲۴۱).

شیوهٔ املا به خاطر کاربرد زیادی که دارد، در گسترش علوم نیز نقش بسزایی داشته است و بعدها نیز آن را سایر ائمه علیهم‌السلام و علما و بزرگان و دانشمندان دنبال کرده‌اند، به طوری که در حال حاضر یک دسته از کتاب‌هایی که از علمای بزرگ به یادگار مانده، به «أمالی» (جمعِ املا) معروف است، و مطالبی را که از راه املا به نگارش درمی‌آمد، «أمالی» می‌نامیدند، مانند أمالی شیخ صدوق، أمالی شیخ طوسی، أمالی شیخ مفید و أمالی سید مرتضی. این شیوه به خاطر سرعت در نگارش و قدرت طرحی که برای استاد و شاگرد دارد، از بهترین راهکارهای تبلیغی و البته نگارش کتاب‌های مفید تبلیغ به شمار می‌رود.

۲ـ۵. مناظره

یکی از راهکارهای بسیار کاربردی در تبلیغ دین استفاده از شیوه مناظره است. این شیوه، افزون بر تبلیغ دین و احکام فقهی، کمک بسیاری به ترویج و گسترش علوم و دانش می‌کند. به همین جهت در سیره و سنت امام صادق علیه‌السلام نیز بسیار مورد توجه بوده است. کاربرد این شیوه در مکتب امام برای کشف حقایق دینی و علمی و آموزش و ترویج علم و تبلیغ احکام دینی و فقهی بوده است. این راهکار نیز مانند موارد دیگر اختصاص به دورهٔ امام صادق علیه‌السلام ندارد و در عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان پیشین علیهم‌السلام نیز مورد استفاده بوده که برخی از این موارد در منابعی با عنوان «الاِحتجاج» گردآوری شده است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، صص۳۳۱-۳۴۵).

برای تحقق مناظره دو شرط لازم است: نخست اینکه مناظره‌کنندگان حداقل دو نفر باشند؛ شرط دوم اینکه قصد آن‌ها کشف حقیقت باشد به طوری که پس از روشن شدن حقیقت آن را بپذیرند و مناظره را با رضایت پایان دهند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ج۳، ص۱۵).

امام صادق علیه‌السلام با توجه به شرایط زمان و بحث‌های مختلف فقهی و حدیثی که در آن دوران اوج گرفته بود، برای بیان احکام و زدودن شبهات از آموزه‌های اصیل اسلامی بارها با گروه‌های مختلف به مناظره می‌پرداخت و با شیوه‌ای بسیار آرام و دلایلی محکم و استوار که راه گریزی برای آن‌ها باقی نمی‌گذاشت، به بیان حقیقت اسلام می‌پرداخت. شایان ذکر است که حضرت صادق علیه‌السلام در خلال گفت‌وگو و مناظراتی که با گروه‌های مختلف داشت، با روی گشاده و استفاده از واژه‌های مؤدبانه و احترام‌آمیز آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌داد به طوری که افراد منصف و حقیقت‌جو شیفتهٔ امام می‌شدند. مثلاً هنگامی که زندیقی از مصر برای مناظره با حضرت به مدینه و بعد از آن به مکه آمد، حضرت او را چنین خطاب کرد: «یا أخا أهل مصر؛ ای برادر مصری.» نتیجهٔ این مناظره این شد که زندیق ایمان آورد و هشام بن حکم مأمور تعلیم آداب و شرایع اسلام به او شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۷۳).

با اینکه امام صادق علیه‌السلام آزادی عمل به صورت کامل نداشت، ولی سعی می‌کرد در مناظرات از شرایط زمانی و مکانی این مجالس نیز استفاده کند. ازاین‌رو بسیاری از مناظرات خویش را در موسم حج و در مسجدالحرام انجام می‌داد؛ چراکه موسم حج زمانِ جمع شدن دانشمندان فِرَق مختلف اسلامی در مکه بود و با یک مناظره که به شکست فردی منجر می‌شد، هزاران بیننده تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. از سوی دیگر، در زمان برگزاری مراسم حج، امام و یاران و شاگردان ایشان از امنیت خاص زمان برگزاری مراسم و منطقهٔ حرم برخوردار بودند و این امر به گستردگی کار کمک می‌کرد.

در مکتب علمی و تبلیغی امام صـادق علیه‌السلام علاوه بر آنکه خود حضـرت در مناظرات وارد می‌شد، شاگردان خود را با این شیوه آشنا می‌کرد و بنا بر قابلیت‌هایی که داشتند، آن‌ها را در این امر به صـورت تخصـصـی تربیت می‌کرد و آموزش می‌داد و افراد را به بهره گرفتن از این شـیوه که باعث تبلیغ دین می‌شـد، ترغیب می‌کرد. ایشـان به یکی از اصـحابش به نام عبدالرحمن بن حجاج بجلی فرمود: «با اهل مدینه (اهل بدعت و رأی) مناظره کن که من خوش دارم در میان شیعیانم کسانی چون تو را ببینم» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص۴۴۲). این تعبیر امام به وضوح بر استفاده از این شیوه در مکتب علمی امام دلالت دارد. در روایت دیگری همین مطلب از امام سؤال شده اسـت، به این صـورت که حمزه طیار از امام صـادق علیه‌السلام می‌پرسـد: شـنیده‌ام که شـما درگیری با مردم و مناظره با آنان را خوش نداری! امام فرمود: «ولی سـخن کسـی چون تو، که اگر بال‌وپَر گیرد، بهتر از آن اسـت که خاموش باشـد، و اگر خاموشـی گزینند، بهتر از به زبان آمدن اسـت. چنین نیست و از مناظره‌اش با مردم خوشم می‌آید» (شوشتری، ۱۴۱۹ق، ج۹، ص۳۴۵). روایات مرتبط با مناظره که در منابع جمع شده است، علاوه بر آنکه شیوهٔ مناظره و طریقهٔ استفاده از آن در مکتب امام را نشان می‌دهد، بیان‌کنندهٔ سیرهٔ حضرت در تصحیح اشتباهات شاگردان و احیاناً نقد و گوشزد کردن اشتباهات آن‌ها و البته تشویق و ترغیبشان است.

مناظرهٔ امام صـادق علیه‌السلام با ابوحنیفه یکی از مهم‌ترین موارد مناظره در فقه اسـت (مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج۱۰، ص۲۲۰). امام صـادق علیه‌السلام بسـیاری از مناظرات خویش را در موسـم حج و در مسجدالحرام انجام می‌داد؛ چراکه موسم حج زمانِ جمع شدن دانشمندان فِرَق مختلف اسلامی بود و فقه مسئلهٔ مهم جهان اسلام می‌شد (ربانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵-۱۱۳).

این شـیوه در عصـر امام صـادق علیه‌السلام گسـترش زیادی یافت و برای خود صـاحب قوانین و ویژگی‌هایی شد و یک شیوهٔ مورد قبول در ترویج علم و دانش گردید، به طوری که در عصر امامان بعدی، به ویژه امام رضا علیه‌السلام، از این شیوه بسیار استفاده می‌شد.

۲ـ۶. تشویق به اجتهاد

باید توجه داشـت که عصـر امام صـادق علیه‌السلام عصـر پیدایش فروع جدید فقهی بود و امام باید برای این مسـئله نیز دنبال راهکار کارآمدی بود. گسـترش شـیوهٔ اجتهادی در این راسـتا بود. آن حضـرت شـیوهٔ تفریع و انطباق فروع بر اصـول را به شـاگردان خود آموزش می‌داد. از همین رو در برخی روایات می‌بینیم امام به جای آنکه در برابر پرسـش‌های فقهی شـاگردانش به پاسـخ مسـئله

بسنده کند، آن‌ها را به شیوهٔ یافتن پاسخ نیز رهنمون می‌ساخت و گاه در پاسخ‌گویی به مسئله، دلایل آن را نیز ذکر می‌کرد و شیوهٔ برداشت از قرآن را به صورت عملی نشان می‌داد. به همین جهت در این زمان برخی از قواعد کلی فقهی و اصولی نیز تبیین شد. این نکته به صراحت در حدیث مشهور امام صادق علیه‌السلام به شاگرد خود، هشام بن سالم، آمده است: «بر ماست که اصول و ریشه‌ها و پایه‌های احکام را برای شما بیان کنیم. و بر شماست که فروع و دسته‌هایی را که از اصل بیرون می‌آیند، به دست آورید و طبق آن حکم کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۲۴۵).

این فرمایش امام به صراحت بر استنباط و بیرون آوردن و استخراج حکمی از حکم دیگر دلالت دارد. مرحوم مجلسی در اینجا می‌نویسد: «این فرمایش دلالت دارد و راهنماست بر جواز و روا بودن استنباط و بیرون آوردن احکام از عمومات؛ اصولی که فروعی را در بر دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۲۴۵).

برخی از قواعد فقهی و اصولی که توسط امام صادق علیه‌السلام در این دوره بیان شد، به بیان محققین عبارت‌اند از: «قاعدهٔ استصحاب، لا تُعاد، قاعدهٔ تجاوز، احادیث علاج خبرَین متعارضَین، قاعدهٔ ید، اصل طهارت، اصل حلّیت، قاعدهٔ بنا به اکثر، قاعدهٔ الزام، و قاعدهٔ المؤمنون عند شروطهم» (جنّاتی، ۱۳۷۲، ص۲۵۳).

در واقع، امام صادق علیه‌السلام با تلاشی پیگیر، فقه اسلام ناب را به صورتی منظم و منسجم درآورد و برای آن اصول و مبانی قرار داد که منبع و مبنای بسیاری از قوانین و فروع فقهی گردید. اکنون بیش از ۱۵۰ قاعدهٔ مهم فقهی و اصولی وجود داد که مورد استناد فقهای بزرگوار شیعه در ابواب مختلف فقهی و اصولی قرار می‌گیرد و هزاران مسئله و فرع فقهی از آن‌ها استخراج می‌شود. بیشتر این قواعد به وسیلهٔ امام صادق علیه‌السلام عرضه شده است.

نتیجه

امام صادق علیه‌السلام به عنوان یکی از مهم‌ترین ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام، در زمینهٔ تبلیغ دین و بیان احکام فقهی، نقش کلیدی و مؤثری ایفا کرده است. با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی خاص زمان خود، ایشان از راهکارهای متنوعی برای تبیین و گسترش معارف دینی و فقهی بهره برد. ایشان در تلاش‌های علمی خود به بیان فقه و احکام اسلامی توجه خاصی کرد و در این زمینه از راهکارهای متنوعی بهره گرفت. این راهکارها نشان‌دهندهٔ توانایی امام صادق علیه‌السلام در تطبیق تبلیغ با شرایط زمانهٔ است که نقش کلیدی ایشان را در گسترش تشیع و حفظ معارف اسلامی نمایان می‌سازد.

حرکت فقهی امام صادق علیه‌السلام آن‌قدر بااهمیت است که می‌توان گفت سرسلسلهٔ همهٔ جریان‌ها و حرکت‌های فقهی مسلمانان به نوعی از این امام بزرگوار بهره گرفته‌اند؛ چنان‌که ائمهٔ چهارگانهٔ اهل تسنن، یا بلاواسطه یا مع‌الواسطه، شاگرد امام بوده‌اند.

روش‌های تبلیغی امام صادق علیه‌السلام در تبیین فقه و احکام دینی، ترکیبی هوشمندانه از علم ناب دینی، خلاقیت آموزشی و درک عمیق از نیازهای زمانه بود. ایشان با تبدیل فقه به دانشی زنده و کاربردی، آن را از محدودهٔ نظریه‌پردازی صرف خارج کردند و به راهنمایی عملی برای زندگی روزمرهٔ مردم تبدیل نمودند. تربیت هزاران شاگرد فرهیخته، پاسخ‌گویی دقیق به پرسش‌های فقهی با استدلال‌های همگانی و تأکید بر اخلاق‌مداری در تبلیغ، نه تنها ماندگاری فقه شیعه را تضمین کرد، بلکه آن را به عنوان نظامی پویا و انعطاف‌پذیر در برابر چالش‌های جدید معرفی نمود.

این راهبردها سبب شد که فقه و احکام اهل بیت علیهم‌السلام، از گزند تحریف و فراموشی در امان بماند و به عنوان یک مکتب پویا و پاسخگو به نیازهای زمان، در میان مسلمانان گسترش یابد. در واقع، موفقیت امام صادق علیه‌السلام در تبلیغ دین، نتیجه بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع و متناسب با شرایط زمان بود؛ شیوه‌هایی که همچنان می‌تواند برای مبلغان دینی امروز الهام‌بخش و راهگشا باشد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة. قم، دار الکتب العلمیة.

۲. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق). الشفاء (المنطق). قم، کتابخانهٔ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۳. ابن‌صباغ مالکی، علی بن محمد (۱۴۲۲ق). الفصول المهمة فی معرفة الأئمة علیهم‌السلام. قم، انتشارات دار الحدیث.

۴. ابوزهره، محمد، (بی‌تا). الإمام الصادق علیه‌السلام؛ حیاته و عصره ـ آراؤه و فقهه. قاهره، دار الفکر العربی.

۵. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). مکاتیب الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله. قم، انتشارات دار الحدیث.

۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق). مکاتیب الأئمة علیهم‌السلام. قم، انتشارات دار الحدیث.

۷. امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ق). أعیان الشیعة. بیروت، دار التعارف.

۸. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). مبانی و روش اندیشهٔ علمی امام صادق علیه‌السلام. تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۹. جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۲۰ق). رسائل. بیروت، دار الکتب العلمیة.

۱۰. جزری شافعی، محمد بن محمد (بی‌تا). أسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن أبی‌طالب کرّم الله وجهه. اصفهان، مکتبة الإمام أمیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۱۱. جنّاتی، محمدابراهیم (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی. تهران، مؤسسهٔ کیهان.

۱۲. الجندی، عبدالحلیم (۱۳۹۷ق). امام جعفر الصادق علیه‌السلام. قاهره، مطبعة الاهرام التجاریه.

۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة. قم، مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

۱۴. حمد، غانم قدوری (۱۹۸۲م). رسم المصحف (دراسة لغویة تاریخیّة). بیروت، مؤسسهٔ المطبوعات العربیة.

۱۵. حیدر، اسد (۱۴۲۲ق). الإمام الصادق علیه‌السلام و المذاهب الأربعة. بیروت، دار التعارف.

۱۶. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق). سیر أعلام النبلاء. بیروت، مؤسسهٔ الرسالة.

۱۷. ربانی، سید جعفر (۱۳۸۷). «سیره امام جعفر صادق (ع) در حج». مجله فرهنگ کوثر، ۷۵. ص ۱۰۵-۱۱۳.

۱۸. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۹ق). قاموس الرجال. قم، نشر اسلامی.
۱۹. صفدی، خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ق). الوافی بالوفیات. بیروت، دار إحیاء التراث.
۲۰. صلح‌جو، علی (۱۳۸۶، آذر). «استراتژی چیست؟». امید انقلاب، ۲۲.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج. مشهد، نشر مرتضی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). إعلام الوری بأعلام الهدی. قم، مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن {شیخ طوسی} (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. قم، مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن {شیخ طوسی} (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن {شیخ طوسی} (۱۴۱۷ق). الفهرست. قم، مؤسسهٔ نشر الفقاهة.
۲۶. عاملی، حسین بن عبدالصمد (۱۴۰۳ق). نور الحقیقة و نور الحدیقة. قم، بی‌نا.
۲۷. عاملی، زین‌الدین بن علی {شهید ثانی} (۱۴۰۹ق). منیة المرید فی ادب المفید والمستفید. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۸. العلی، صالح أحمد (۱۹۸۰م). التدوین و ظهور الکتب المصنّفة. مجلهٔ المجمع العلمی العراقی، ۳۱ (۲).
۲۹. غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۴۶). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. (نورالله کسائی، مترجم)، تهران، انتشارات یزدان.
۳۰. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۳ق). ینابیع المودة لذوی القربی.قم، دار الاسوه للطباعه و النشر.
۳۱. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال. مشهد، انتشارات دانشگاه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
۳۴. مزی، جمال‌الدین یوسف (۱۴۰۶ق). تهذیب الکمال فی أسماء الرجال. بیروت، مؤسسهٔ الرسالة.
۳۵. مظفر، محمدحسین (۱۴۲۱ق). الإمام الصادق علیه‌السلام. قم، نشر اسلامی.
۳۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. بیروت، دار المفید.